

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ جولای ۲۰۲۱

اوج اختلافات بین "غنی احمدزی" و "امرالله صالح"!

چهارشنبه - ۱۶ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه به خاطراتان مانده باشد، من در گذشته ها از نخستین روز هائی که دولت دست نشاندۀ با ترکیب جدید خود که "غنی احمدزی" به حیث رئیس جمهور و "امرالله صالح" معاون اول وی به مردم فریبی و فرزندان مردم را به کشتارگاه های از قبل تدارک دیده شده به وسیله طالب بفرستند و از جانب دیگر غارت دارائی های کشور را به اوج آن برسانند، کار خود را آغاز نمودند؛ چندین بار تذکر دادم که بین "غنی احمدزی" و "امرالله صالح" درصد بی اعتمادی تا جائیست که هیچ یک بدون دیگری جائی به مسافرت نمی رود تا نکند طرف مقابل برنامه حذف وی را داشته باشد و از همین رو "غنی احمدزی" هر جا که می رود، "صالح" را نیز با خود می برد تا از یک جانب امکان سوء قصد را از بین ببرد و از جانب دیگر زمینه کودتا در ارگ را برایش مساعد ساخته باشد. پیوند بین "غنی احمدزی" و "امرالله صالح" که در اساس به آن نوع ازدواجها شباهت دارد که قبل از تدوین "نکاح خط"، "ورقه طلاق" آن مخفیانه آماده شده باشد، از همان آغاز معلوم بود که روی یک ضرورت اصل "درمانده و درمانده طلب" به وجود آمده، نه تنها از لحاظ سیاسی هیچ نوع قرباتی بین دوطرف وجود نداشت، یعنی در حالی که یک طرف بر طبل شوونیسم عظمت طلبانه خود همیشه کوبیده و باز هم می کوبد و طرف دیگر چنان در ناسیونالیسم تنگ نظرانه غرق است، که به جز منفعت منطقه و قوم خود چیز دیگری را دیده نمی تواند، از لحاظ شخصیتی نیز به غیر از یکی دو وجه مشترک که فریبکاری و خیانت به کشور و مردم آن باشد، در هیچ زمینه دیگری با هم مشابهت ندارند. در نتیجه از همان آغاز معلوم بود که این خر به منزل نمی رسد.

مشکل بین دو طرف زمانی حدت یافت که هر دو جانب یک پیروزی و یک شکست را در مقابل هم تجربه نمودند. "غنی احمدزی" که فکر می کرد "صالح" جوانک خودستائی بیش نیست، و می پنداشت که می تواند وی را بعد از جذب و مدتی اینطرف و آنطرف دواندن به مانند "دوستم" سنگ فلاخن ساخته از ارگ بیرون اندازد، بعد از آن که صلاحیت هایش را محدود ساخت مطمئن بود که وی نیز ارگ را ترک خواهد نمود، در حالی که چنین نشد و "صالح" نشان داد که "خط گلیم برود، وی رفتنی نیست".

در طرف مقابل "صالح" که فکر می کرد بر مبنای آموزش های استخباراتی و برخورداری از روابط گسترده در آن زمینه، بعد از این که خود را به وسیله وی به ارگ رساند، او را به بازی خواهد گرفت، خلاف تصورش مشاهده نمود که در آن زمینه "غنی احمدزی" و تیمش نسبت به وی دست بالا داشته، حتا در همان مقام "کوتوال کابل" نیز حاضر

نیستند به وی صلاحیت بدهند، یعنی در حالی که به نمایندگی از ارگ حق و اجازه داشت بر روی مجموع ملت افغانستان شمشیر بکشد، اجازه نداشت به طرف "سوگلی" های ارگ از قماش "همرد" چپ نگاه نماید تا چه رسد به این که مزاحم آنها شود.

در عین حال مشاهده نموده که ارگ به وسیله "محب" از زیر "ریش وی خر سوار تیر" کرده به بهانه جوان گرائی اکثر ولسوالان و قومندانان امنیه آن ولسوالی را ها توسط افراد متعهد به خودشان پر نموده، از وی که رسماً "مقام معاونیت اول ریاست جمهوری" را در اختیار دارد خلاف صراحت در قانون اساسی دولت دست نشانده که وظیفه معاون اول، همکاری درمسئولیت های امور امنیتی به رئیس جمهور است نه تنها کسی چیزی نپرسید، بلکه زمینه های انتقال قدرت دولتی را از طریق آنها به طالب، آنها در مناطقی که بالفعل و بالقوه از جمله مناطق نفوذ "امر الله صالح" و شرکای تباری اش به شمار می آید، اجراء نموده زیرکانه برنامه خلع وی از معاونیت را نیز فراهم نمود.

درک این روند از جانب "صالح" کشیدگی بین "غنی احمدزی" و "امرالله صالح" را شدت بخشیده، طبق اخبار سرچوک هر دو طرف در داخل ارگ با احتیاط امنیتی بالا و اعلام خط قرمز بین گاردهای شان، به توطئه علیه یک دیگر اشتغال دارند.

این که سرانجام این تقابل توطئه ها به کجا می کشد تا هنوز معلوم نیست، چه بعد از اقتضای که بین "حنیف اتمر" و "حمد الله محب" در امریکا پیش آمد، باز هم طبق شنیدگی ها، گویا "اتمر" و "صالح" که بدون آنها هر دو از چندین جهت با همدیگر قرابت هائی داشته و دارند، از ماهیت استخباراتی گرفته تا برخورداری و اشتراک در داشتن قلاده بردگی روس؛ نزدیکی و داد و گرفتگی صورت گرفته که مسئولیت انجام یک کودتا را تحت رهبری سفارت انگلیس، با رضایت کامل سفارت امریکا به نفع "اتمر+صالح"، علیه "غنی احمدزی" بدانها سپرده است، "غنی احمدزی" نیز بیکار ننشسته، با خریدن "یونس قانونی" و دادن وعده تقرر به جای "صالح"، تلاش دارد تا ضمن جلب رضایت ایران و عالتاً انداختن قلاده بردگی رژیم ولایت فقیه برگردنش، به نحوی با تقسیم افغانستان با طالب کنار آمده، در گام نخست سر "امرالله صالح" را زیر بالش نماید.

هموطنان گرامی!

در طبیعت همیشه چنین بود و چنین نیز باقی خواهد ماند که گرگان هنگام گرسنگی و احساس خطر مرگ، بقای شان را در دریدن و خوردن جنس خودشان سراغ گرفته اند. اکنون جنگی بین گرگان درنده وابسته به امپریالیسم و ارتجاع وجود دارد، علی رغم آن که تا اکنون بزرگترین قربانی آن توده های دریند کشور بوده است، مسلماً در صورت دوام وضعیت کنونی، گرگان بین خود نیز بر مبنای قانون "تنازع بقاء" دریدن یک دیگر را نیز آغاز خواهند نمود.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!